

انتقال خشونت بین نسلی از خانواده اصلی به خانواده فعلی در زنان

*شه‌دخت آزادی^۱

فرزانه ناهیدپور^۲

چکیده

زمینه و هدف: خشونت خانگی واق‌عیتی آ‌زارد‌هنده و غیرقابل انکار در دنیای امروز است. این مطالعه با هدف بررسی انتقال خشونت از خانواده اصلی به خانواده فعلی در زنان خشونت دیده مراجعه‌کننده به دادگاه انجام شد.

روش بررسی: این مطالعه از نوع همبستگی بود. تعداد ۲۸۳ نفر از زنان مراجعه‌کننده به مجتمع‌های قضایی خانواده، پزشکی قانونی و شوراهای حل اختلاف شهر شیراز در سال ۱۳۹۳ به روش نمونه‌گیری در دسترس وارد مطالعه شدند و به دو پرسشنامه سنجش خشونت علیه زنان و سنجش خشونت در خانواده اصلی پاسخ دادند. برای تحلیل داده‌ها از همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون و نرم افزار SPSS نسخه ۱۹ استفاده شد.

یافته‌ها: تحلیل داده‌ها نشان داد میان خشونت در خانواده اصلی و خشونت در خانواده فعلی ($P < 0/01$)، خشونت فیزیکی در خانواده اصلی و خشونت فیزیکی در خانواده فعلی ($P < 0/01$)، خشونت روانی در خانواده اصلی و خشونت روانی در خانواده فعلی ($P < 0/01$) و خشونت اقتصادی در خانواده اصلی و خشونت اقتصادی در خانواده فعلی ($P < 0/01$) رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد. همچنین، خشونت در خانواده اصلی عامل پیش‌بینی‌کننده خشونت و انواع آن در خانواده فعلی ($P < 0/01$) است.

نتیجه‌گیری کلی: با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان گفت میان خشونت در خانواده اصلی با خشونت در خانواده فعلی ارتباط مستقیم و معنی‌داری وجود دارد و مشاهده خشونت بین والدین در خانواده اصلی با افزایش خطر قربانی خشونت شدن توسط همسر همراه است.

کلیدواژه‌ها: خشونت، خانواده اصلی، خانواده فعلی، انتقال بین‌نسلی خشونت، زنان

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۲۸

تاریخ پذیرش: ۹۷/۳/۲۹

^۱ استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گچساران، گچساران، ایران. (*نویسنده مسئول) شماره تماس: ۰۹۱۷۷۲۳۳۸۹۶

Email : shahdokhazadi@yahoo.com

^۲ مربی، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، کرج، ایران.

مقدمه

شایع‌ترین نوع خشونت علیه زنان، خشونت همسر است که اثرات منفی بسیاری بر سلامت جسمانی و روانی آنان بر جای می‌گذارد^(۱). مؤسسه پیشگیری از خشونت خانوادگی خشونت همسر یا شریک صمیمی را به صورت آسیب جسمی، جنسی یا روانشناختی تعریف نمود که توسط شریک صمیمی فعلی یا قبلی و یا همسر صورت می‌گیرد. این تعریف، رفتارهای سرکوب‌گرانه یا فریبکارانه‌ای مانند سوءاستفاده روانشناختی، کلامی، مالی، جسمی، یا جنسی را شامل می‌شود که توسط همسر به منظور کسب یا حفظ کنترل در روابط انجام می‌گیرد. همسر یا شریک صمیمی برای کنترل طرف مقابل و ابراز قدرت خود از روش‌هایی همچون جدا کردن همسر از دوستان یا خانواده، گرفتن پول از او، خوار کردن او جلوی دوستان و تهدید یا تجاوز جنسی و جسمی استفاده می‌کند^(۲). خاستگاه‌های خشونت در روابط صمیمانه و زناشویی بر اساس تعدادی از عوامل روانی-اجتماعی، روانشناختی و جامعه‌شناختی استوار است. یکی از مهمترین این عوامل خانواده است. برای نمونه، طبق پژوهش Holt & Gillespie کودکانی که در خانواده‌های خشن بزرگ می‌شوند، خشونت در روابط بعدی خودشان را خواهند آموخت. به عبارت دیگر، شاهد خشونت بودن و یا تحت خشونت واقع شدن، خطر خشونت بیشتر را در روابط آینده افزایش می‌دهد^(۳). در همین راستا، تحقیق Kimber و همکاران نشان داد افرادی که در دوران کودکی شاهد خشونت والدین خود هستند، در دوران بزرگسالی مرتکب خشونت می‌شوند^(۴). Whiting و همکاران انتقال بین‌نسلی خشونت را در ۵۹۰ نفر از کسانی که در دوران کودکی در خانواده اصلی خود مورد بدرفتاری قرار گرفته بودند و یا قربانی خشونت شده بودند، بررسی کردند. آنها نشان دادند کسانی که در کودکی مورد خشونت قرار گرفته بودند در روابط صمیمانه بعدی نیز متوسل به خشونت می‌شدند و عزت نفس پایین، وجود سابقه اختلال استرس پس از سانحه و وابستگی به الکل بر

انتقال بین نسلی خشونت تأثیر می‌گذارند^(۵). Savage و همکاران دریافته‌اند که تاریخچه خانوادگی خشونت و سوءاستفاده فیزیکی با فراوانی ارتکاب خشونت در دوران بزرگسالی ارتباط دارد^(۶). به عبارت دیگر، پرخاشگری و خشونت در خانواده اصلی (خانواده‌ای که فرد در آن متولد و بزرگ می‌شود) با خشونت و پرخاشگری در خانواده فعلی مرتبط است.

تجارب افراد در خانواده اصلی بر زندگی و به ویژه روابط عاشقانه و ازدواج آنان تأثیر عمیقی بر جای می‌گذارد^(۷). تجارب منفی موجود در خانواده اصلی عبارتند از تعارضات خانوادگی شدید، خشونت، خصومت و طلاق والدین که به الگوهای تعاملی منفی در زوج‌ها^(۸)، خشونت فیزیکی^(۹)، برداشت‌های منفی از خود و همسر^(۱۰)، طلاق و اختلاف زناشویی در فرزندان^(۱۱) منجر خواهند شد. Stutzman و همکاران به این نتیجه رسیدند که سلامت فردی و زناشویی والدین یا کیفیت روابط آنها بر سلامت فرزندان و برعکس تأثیر خواهد گذاشت^(۱۲). همچنین، قواعد، نقش‌ها و مرزهایی که والدین در خانواده اختیار و وضع می‌کنند در تعاملات خانوادگی نقش مهمی ایفاء می‌کنند^(۱۳). برای مثال، پذیرش پرخاشگری و خشونت سایر اعضاء توسط مادر با شیوه‌ای که او به فرزندانش واکنش نشان می‌دهد و نوع نگاه فرزندان نسبت به رفتارهای پرخاشگرانه در روابط بعدی آنان مرتبط است^(۱۴). نوجوانانی که هویت خود را در ارتباط با گروه‌های اجتماعی خشنی که در آنها عضو هستند و از رفتارهای پرخاشگرانه حمایت می‌کنند شکل می‌دهند به احتمال بیشتری رفتارهای پرخاشگرانه را نشان خواهند داد^(۱۵).

در این راستا، دیدگاه تعاملی رشدی که اخیراً مطرح شده است^(۱۶) این احتمال را مطرح می‌سازد که رفتارهای پرخاشگرانه والدین نسبت به فرزندان در خانواده اصلی به ابراز رفتارهای پرخاشگرانه نسبت به همسر در دوران بزرگسالی کمک خواهد کرد. نظریه‌های گوناگونی همچون مدل‌های امنیت هیجانی و یادگیری اجتماعی مطرح و

بررسی شده‌اند^(۱۷،۱۸). اما طبق الگوی تعاملی- رشدی، فرآیندهای یادگیری اجتماعی در خانواده اصلی به شکل گیری یک الگوی میان فردی منجر می‌شود که به پرخاشگری و خشونت در روابط صمیمانه و زناشویی فرزندان در آینده می‌انجامد. کودکان ممکن است با تماشای نحوه تعامل والدینشان با یکدیگر رفتار خشونت‌آمیز و پرخاشگرانه با شریک زندگی‌شان را بیاموزند. بنابراین، پرخاشگری بین والدین ممکن است توسط فرزندان مشاهده گردیده و سپس در روابط نزدیک و ازوداج آنان الگو شود^(۱۹). از آنجا که در ایران، گستردگی خشونت علیه زنان از ۴۷ تا ۸۱ درصد گزارش شده است^(۲۰)، در واکنش به شیوع بالا و پیامدهای ناگوار خشونت علیه زنان، مطالعات فراوانی به بررسی پیش‌بینی کننده‌ها و همبسته‌های این پدیده پرداخته‌اند. در این راستا عوامل پیش‌بینی کننده متعددی برای خشونت علیه زنان شناسایی شده‌اند که از آن جمله می‌توان به سابقه خشونت در خانواده پدری یا خانواده اصلی فرد اشاره کرد^(۵). اما تحقیقات داخلی در این زمینه بسیار اندک هستند. این تحقیقات روی نمونه‌ها متفاوت، در شهرها و فرهنگ‌های مختلف و با استفاده از پرسشنامه‌های دیگری برای سنجش خشونت انجام شدند. از این رو، پژوهشگران درصدد برآمدند تا به مطالعه ارتباط وجود خشونت در خانواده اصلی و خانواده فعلی زنان مراجعه‌کننده به مراکز قانونی شهر شیراز بپردازند، با این هدف که سهم خشونت در خانواده اصلی در قربانی خشونت شدن در خانواده فعلی و توسط همسر را با استفاده از نمونه‌ای متفاوت و در فرهنگی دیگر بررسی نمایند.

روش بررسی

این پژوهش از نوع همبستگی بود که جامعه پژوهش آن را تمام زنان مراجعه‌کننده به مجتمع‌های قضایی خانواده، پزشکی قانونی و شوراهای حل اختلاف شهر شیراز تشکیل می‌دادند که توسط همسرانشان مورد خشونت قرار گرفته بودند (مراجع قضایی

هیچگونه آماری از تعداد زنان خشونت دیده مراجعه کننده به مراکز یاد شده را در اختیار محققان قرار ندادند). از آنجا که در پژوهش‌های همبستگی برای بیان چگونگی رابطه، حداقل ۵۰ نفر حجم نمونه ضرورت دارد^(۲۱)، در این پژوهش تعداد ۲۸۳ زن خشونت دیده به صورت در دسترس انتخاب شد تا اختلاف بین نمونه و جامعه و احتمال خطا کاهش یابد. به این صورت که پژوهشگران پس از دریافت مجوزهای لازم برای انجام پژوهش با مراجعه به مجتمع‌های قضایی خانواده، پزشکی قانونی و شوراهای حل اختلاف شهر شیراز، زنانی را که به دلیل اختلافات خانوادگی و زناشویی به مراکز فوق‌الذکر مراجعه کرده و مورد خشونت همسر قرار گرفته بودند را شناسایی کردند و بعد از توضیح درباره هدف پژوهش و کسب رضایت آنان و دادن اطمینان به آنها که اطلاعاتشان محرمانه خواهند ماند، پرسشنامه‌ها را جهت پاسخگویی در اختیار آنها قرار دادند. ابزارهای پژوهش شامل دو پرسشنامه سنجش خشونت علیه زنان برای سنجش در خانواده فعلی و پرسشنامه محقق ساخته خشونت در خانواده اصلی بود.

الف) پرسشنامه سنجش خشونت علیه زنان: این پرسشنامه توسط Haj-Yahia در سال ۲۰۰۲ برای سنجش خشونت علیه زنان تدوین گردید که دارای ۳۲ گویه و چهار عامل است. عامل نخست (گویه‌های ۱ تا ۱۶) برای سنجش خشونت روانی، عامل دوم (گویه‌های ۱۷ تا ۲۷) برای سنجش خشونت فیزیکی، عامل سوم (گویه‌های ۲۸ تا ۳۰) برای سنجش خشونت جنسی و عامل چهارم (گویه‌های ۳۱ تا ۳۲) برای سنجش خشونت اقتصادی مورد استفاده قرار می‌گیرند. پاسخ به سئوالات این پرسشنامه بر اساس یک مقیاس سه درجه‌ای لیکرت از صفر (هرگز)، ۱ (یک بار)، ۲ و (دو بار یا بیشتر) نمره‌گذاری می‌شود. در این

خانواده اصلی خود و میزان خشونت که در خانواده اصلی خود شاهد آن بوده‌اند به سئوالات پاسخ دهند. پس از اجراء، تعداد سئوالات از ۳۱ پرسش به ۲۸ پرسش کاهش یافت. زیرا شرکت‌کنندگان به سئوالات مربوط به خشونت جنسی به دلیل اینکه بیشتر آزمودنی‌ها از وجود خشونت جنسی در والدین خود اظهار بی‌اطلاعی نمودند پاسخ ندادند. بنابراین سئوالات مربوط به خشونت جنسی حذف گردید. به منظور تعیین روایی سازه آزمون مورد نظر، پژوهشگران از روش تحلیل عاملی اکتشافی استفاده کردند. بر اساس نتایج به دست آمده از تحلیل عاملی اکتشافی با استفاده از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی و با چرخش واریماکس، سه عامل با ارزش ویژه بزرگتر از یک استخراج شد که مجموعاً ۵۳/۲۴ درصد واریانس کل مقیاس را تبیین می‌کرد. عامل‌های تأیید شده به ترتیب درصد واریانس ارزش ویژه که میزان روایی همگرا را می‌سنجد به شرح زیر است: مقیاس خشونت فیزیکی (۰/۸۹)، خشونت روانی (۰/۸۳) و خشونت اقتصادی (۰/۷۸). همچنین، پایایی این ابزار با استفاده از روش آلفای کرانباخ به شرح زیر به دست آمد: ضریب پایایی کل مقیاس (۰/۹۴)، خشونت فیزیکی (۰/۸۲)، خشونت روانی (۰/۸۱) و خشونت اقتصادی (۰/۷۹). پایایی کل این ابزار با استفاده از روش دو نیمه‌سازی نیز ۰/۹۰ به دست آمد که حاکی از پایایی بالای ابزار است.

یافته‌ها

۵۰ درصد از زنان خشونت دیده مراجعه‌کننده به مراکز قانونی متعلق به رده سنی ۲۵-۳۵ سال بودند. ۵۰/۱۷ درصد از آنان دارای تحصیلات دیپلم، ۳۸/۱۷ درصد بالای دیپلم و فقط ۱۱/۶۶ درصد از آنان تحصیلات زیردیپلم داشتند. همچنین، ۶۲/۵۵ درصد از زنان مورد مطالعه

پرسشنامه پایین‌ترین نمره صفر و بالاترین نمره ۶۴ می‌باشد.

Haj-Yahia ضریب پایایی این ابزار را با استفاده از روش آلفای کرانباخ برای چهار عامل پرسشنامه (خشونت روانی، فیزیکی، جنسی و مالی) به ترتیب ۰/۷۱، ۰/۸۶، ۰/۹۳ و ۰/۹۲ به دست آورد که حاکی از پایایی بالای این ابزار است^(۲۲). خسروی برای بررسی روایی پرسشنامه سنجش خشونت علیه زنان از روش روایی همگرا (ملاکی) استفاده نمود. به این صورت که پرسشنامه مذکور را همراه با پرسشنامه افکار آسیب رساندن به همسر اجرا نمود. مقدار همبستگی به دست آمده ۰/۵۶ بود که حاکی از روایی بالای پرسشنامه سنجش خشونت علیه زنان است^(۲۳). در پژوهش خاقانی روایی محتوایی این پرسشنامه توسط چند تن از اساتید متخصص در زمینه خشونت خانگی مورد تأیید قرار گرفت و ضریب پایایی کل آن با استفاده از روش آلفای کرانباخ و در یک نمونه ۳۰ نفری ۰/۹۵ گزارش گردید^(۲۴). در پژوهش کنونی نیز، آلفای کرانباخ برای کل پرسشنامه (۰/۹۰) و برای خرده مقیاس‌های خشونت روانی (۰/۸۶)، فیزیکی (۰/۹۳)، جنسی (۰/۸۸) و مالی (۰/۷۵) محاسبه گردید.

ب) پرسشنامه خشونت در خانواده اصلی: برای بررسی وجود خشونت در خانواده اصلی از یک پرسشنامه محقق ساخته استفاده گردید. این پرسشنامه متشکل از ۲۸ سوال است و پاسخ‌های آن در یک مقیاس سه درجه‌ای لیکرت از صفر (هرگز)، ۱ (یک بار) و ۲ (دو بار یا بیشتر) نمره گذاری می‌شود. در این پرسشنامه پایین‌ترین نمره صفر و بالاترین نمره ۵۶ می‌باشد. نمره بالا به معنی خشونت بیشتر در خانواده اصلی فرد است. پرسشنامه تدوین شده اولیه شامل ۳۱ سوال بود که در اجرای مقدماتی پرسشنامه روی ۳۰ زن متأهل اجرا شد. از شرکت‌کنندگان درخواست گردید تا بر اساس شرایط

شاغل و ۳۷/۴۵ درصد از آنان نیز خانه‌دار بودند. میانگین کل خشونت در خانواده فعلی ۴۸/۵۱، خشونت جسمی ۲۵/۴۸، خشونت روانی ۱۸/۸۳، خشونت جنسی ۵/۰۹ و خشونت اقتصادی ۲/۹۲ بود. علاوه بر این، میانگین کل خشونت در خانواده اصلی ۴۵/۳۲، خشونت جسمی ۲۰/۷۳، خشونت روانی ۱۶/۶۸ و خشونت اقتصادی ۳/۱۱ به دست آمد. این میانگین‌ها حاکی از بالا بودن میزان خشونت در خانواده فعلی و اصلی است.

همان‌گونه که در جدول شماره ۱ ملاحظه می‌شود میان خشونت در خانواده اصلی و خشونت در خانواده فعلی ($P < 0/01$)، خشونت فیزیکی در خانواده اصلی و خشونت فیزیکی در خانواده فعلی ($P < 0/01$)، خشونت روانی در خانواده اصلی و خشونت روانی در خانواده فعلی ($P < 0/01$) و خشونت اقتصادی در خانواده اصلی و خشونت اقتصادی در خانواده فعلی ($P < 0/01$) رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد.

جدول شماره ۱: همبستگی محاسبه شده میان انواع خشونت در خانواده اصلی و خانواده فعلی

خانواده اصلی	خانواده فعلی			
	۱	۲	۳	۴
۱-خشونت	۰/۷۳**	--		
۲-خشونت فیزیکی	۰/۴۸**	۰/۵۴**	---	
۳-خشونت روانی	۰/۵۱**	۰/۶۵**	۰/۶۶**	---
۴-خشونت اقتصادی	۰/۳۵**	۰/۴۳**	۰/۳۷**	۰/۵۸**

همان‌گونه که در جدول شماره ۲ ملاحظه می‌شود در گام اول، خشونت فیزیکی در خانواده اصلی ۳۱ درصد از واریانس خشونت در خانواده فعلی را تبیین نمود. در گام دوم، خشونت فیزیکی و روانی ۳۴ درصد از واریانس

متغیر وابسته و در گام سوم خشونت فیزیکی، روانی و اقتصادی ۳۹ درصد از خشونت در خانواده فعلی را تبیین کردند.

جدول شماره ۲: تحلیل رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی خشونت در خانواده فعلی از طریق خشونت در خانواده اصلی

معادله رگرسیون	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب استاندارد		سطح معنی‌داری
	R	R ²	میزان تغییر متغیر وابسته (Beta)	سطح معنی‌داری	
خشونت فیزیکی	۰/۰۹	۰/۳۱	۰/۴۱	۰/۰۰۱	
خشونت فیزیکی	۰/۴۹		۰/۲۷		
خشونت روانی	۰/۲۹	۰/۱۱	۰/۱۹		
خشونت فیزیکی	۰/۶۰		۰/۳۳	۰/۰۰۱	
خشونت روانی	۰/۴۱		۰/۲۶	۰/۰۰۱	
خشونت اقتصادی	۰/۷۷	۰/۱۵	۰/۱۷	۰/۰۰۱	

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان داد که میان خشونت در خانواده اصلی و خشونت در خانواده فعلی، خشونت فیزیکی در خانواده

اصلی و خشونت فیزیکی در خانواده فعلی، خشونت روانی در خانواده اصلی و خشونت روانی در خانواده فعلی، خشونت اقتصادی در خانواده اصلی و خشونت اقتصادی در خانواده فعلی رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد.

فعلی رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد. همچنین، خشونت و انواع آن در خانواده اصلی می تواند خشونت در خانواده فعلی را پیش بینی کند. در واقع می توان گفت که مشاهده خشونت بین والدین در خانواده اصلی با افزایش خطر قربانی خشونت واقع شدن در ازدواج و توسط همسر همراه است.

این یافته ها، با یافته های تحقیقات انجام شده توسط Kimber و همکاران^(۴)، Whiting و همکاران^(۵)، Hawkly^(۲۵)، زارع شاه آبادی و نادرپور^(۲۶)، خمسه و حسینیان^(۲۷) هماهنگ است. همه این پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که وجود خشونت در خانواده اصلی باعث می شود که فرد در خانواده فعلی خود نیز توسط همسرش قربانی خشونت شود. برای مثال، Hawkly نشان داد که سطوح بالاتر خشونت در روابط زناشویی والدین با خشونت بیشتر در روابط رومانتیک دختران و خشونت کمتر در روابط رومانتیک پسران در یک سال بعد مرتبط بود^(۲۵).

در تبیین این یافته می توان گفت یافته های حاصل از این پژوهش علاوه بر تأیید یافته های پژوهشی موجود در این زمینه، از صحت دیدگاه تعاملی - رشدی نیز حمایت کرد. طبق دیدگاه تعاملی - رشدی، رفتارهای پرخاشگرانه والدین نسبت به فرزندان و یکدیگر در خانواده اصلی به ابراز رفتارهای پرخاشگرانه نسبت به همسر در دوران بزرگسالی و یا قربانی خشونت وی شدن کمک خواهد کرد^(۱۶). نظریه های گوناگونی همچون مدل های امنیت هیجانی و یادگیری اجتماعی مطرح و بررسی شده اند^(۱۸). اما طبق الگوی تعاملی - رشدی، فرآیندهای یادگیری اجتماعی در خانواده اصلی به شکل گیری یک الگوی میان فردی منجر

می شود که به پرخاشگری و خشونت در روابط صمیمانه و زناشویی فرزندان در آینده می انجامد. کودکان ممکن است با تماشای نحوه تعامل والدین با یکدیگر، رفتار خشونت آمیز و پرخاشگرانه با شریک زندگی شان را بیاموزند. بنابراین، پرخاشگری بین والدین ممکن است توسط فرزندان مشاهده گردیده و سپس در روابط نزدیک و ازدواج آنان الگو شود^(۱۹).

در نظریه سیستم های خانواده نیز، خانواده به عنوان یک سیستم در نظر گرفته می شود که در آن کیفیت روابط والدین بر عملکرد فرزندان و برعکس تأثیر می گذارد^(۲۸). شیوه های تعامل والدین با فرزندانشان روابط بعدی آنها را شکل می دهد. به عبارت دیگر، والدین رفتارهای میان فردی را از طریق تعامل با فرزندان به آنها آموزش می دهند^(۲۹). این دیدگاه بیانگر آن است که پرخاشگری و خشونت والدین نسبت به یکدیگر و فرزندانشان، رفتارهای بعدی فرزندان در روابط نزدیک را شکل خواهد داد^(۳۰). بنابراین، قرار گرفتن در معرض خشونت در دوران کودکی، یک عامل خطر ساز برای قربانی خشونت شدن در روابط صمیمانه آینده است.

یافته های پژوهش حاکی از آنند که مشاهده خشونت در خانواده اصلی بر الگوهای رفتاری بعدی فرزندان در زندگی زناشویی آنها تأثیر می گذارد. در واقع کودکان شیوه های برقراری ارتباط صحیح و ناصحیح را از والدین خود می آموزند. روابط خشونت آمیز والدین با یکدیگر انتظارات کودکان را از روابط صمیمانه بعدی شکل می دهد و باعث می شوند تا در زندگی زناشویی خود قربانی خشونت یا مرتکب آن شوند. به عبارت دیگر، یافته های پژوهش تأیید می کند که خشونت از خانواده اصلی به خانواده فعلی منتقل می شود. از این رو، به مسئول و

تعارض منافع: هیچگونه تعارض منافی از سوی نویسندگان گزارش نشده است.

تقدیر و تشکر

بدین وسیله پژوهشگران بر خود لازم می‌دانند از همکاری صمیمانه کلیه شرکت‌کنندگان در پژوهش تشکر و قدردانی نمایند.

دست‌اندرکاران حمایت از خانواده توصیه می‌شود تا برنامه‌های آموزش خانواده و تربیت فرزند و آموزش شیوه‌های صحیح برخورد با همسران و کودکان را برای زوجینی که قصد بچه‌دار شدن دارند ارایه نمایند تا از انتقال الگوهای مخرب خانوادگی به نسل بعد پیشگیری شود.

فهرست منابع

- 1- Vives-Cases C, Ruiz-Cantero MT, Escribà-Agüir V, Miralles JJ. The effect of intimate partner violence and other forms of violence against women on health. *Journal of Public Health*. 2010;33(1):15-21.
- 2- Fund FVP. Get the facts: Domestic violence is a serious, widespread social problem in America: The facts. Recuperado de [http://www endabuse org/userfiles/file/Children_and_Families/DomesticViolence pdf](http://www.endabuse.org/userfiles/file/Children_and_Families/DomesticViolence.pdf). 2008.
- 3- Holt JL, Gillespie W. Intergenerational transmission of violence, threatened egoism, and reciprocity: A test of multiple psychosocial factors affecting intimate partner violence. *Am J Crim Justice*. 2008;33(2):252-66.
- 4- Kimber M, Adham S, Gill S, McTavish J, MacMillan HL. The association between child exposure to intimate partner violence (IPV) and perpetration of IPV in adulthood—A systematic review. *Child Abuse Negl*. 2018;76:273-86.
- 5- Whiting JB, Simmons LA, Havens JR, Smith DB, Oka M. Intergenerational transmission of violence: The influence of self-appraisals, mental disorders and substance abuse. *J Fam Violence*. 2009;24(8):639-48.
- 6- Savage J, Palmer JE, Martin AB. Intergenerational transmission: Physical abuse and violent vs. nonviolent criminal outcomes. *J Fam Violence*, 2014;29(7):739-48.
- 7- Whitton SW, Waldinger RJ, Schulz MS, Allen JP, Crowell JA, Hauser ST. Prospective associations from family-of-origin interactions to adult marital interactions and relationship adjustment. *J Fam Psychol*. 2008;22(2):274-86.
- 8- Levy SY, Wamboldt FS, Fiese BH. Family-of-origin experiences and conflict resolution behaviors of young adult dating couples. *Fam Process*. 1997;36(3):297-310.
- 9- Busby DM, Holman TB, Walker E. Pathways to relationship aggression between adult partners. *Family Relations*. 2008;57(1):72-83.
- 10- Gardner BC, Busby DM, Burr BK, Lyon SE. Getting to the root of relationship attributions: Family-of-origin perspectives on self and partner views. *Contemp Fam Ther*. 2011;33(3):253-72.
- 11- Story LB, Karney BR, Lawrence E, Bradbury TN. Interpersonal mediators in the intergenerational transmission of marital dysfunction. *J Fam Psychol*. 2004;18(3):519-29.
- 12- Stutzman SV, Bean RA, Miller RB, Day RD, Feinauer LL, Porter CL, et al. Marital conflict and adolescent outcomes: A cross-ethnic group comparison of Latino and European American youth. *Children and Youth Services Review*. 2011;33(5):663-8.
- 13- Greenman PS, Johnson SM. Process research on emotionally focused therapy (EFT) for couples: Linking theory to practice. *Fam Process*. 2013;52(1):46-61.
- 14- Werner NE, Grant S. Mothers' cognitions about relational aggression: Associations with discipline responses, children's normative beliefs, and peer competence. *Social Development*. 2009;18(1):77-98.
- 15- Pokhrel P, Sussman S, Black D, Sun P. Peer group self-identification as a predictor of relational and physical aggression among high school students. *J Sch Health*. 2010;80(5):249-58.
- 16- Capaldi DM, Gorman-Smith D. The development of aggression in young male/female couples. 2003. Mahwah, NJ: Erlbaum, p. 243-78.

- 17- Davies PT, Harold GT, Goeke-Morey MC, Cummings EM, Shelton K, Rasi JA, et al. Child emotional security and interparental conflict. *Monogr Soc Res Child Dev.* 2002;i-127.
- 18- El-Sheikh M, Kouros CD, Erath S, Cummings EM, Keller P, Staton L. Marital conflict and children's externalizing behavior: Pathways involving interactions between parasympathetic and sympathetic nervous system activity. *Monogr Soc Res Child Dev.* 2009;74(1): 23-42.
- 19- Straus MA, Gelles RJ, Steinmetz SK. Behind closed doors: Violence in American families. Garden City, NY: Anchor/Doubleday. 1980.
- 20- Ezazi S. [Society structure and violence against women]. 2004; 4(14): 47-84. Persian
- 21- Delavar A. [Educational and psychological research]. 2016. Viraayesh publication, Tehran. Persian
- 22- Haj-Yahia MM. Beliefs of Jordanian women about wife-beating. *Psychol Women Q.* 2002;26(4):282-91.
- 23- Khosravi Z, Khaghanifard M. [Spouse annoying sadism with tendency to suicide and feeling of hurting spouse in women of Tehran]. *Women studies* 2005;2(6): 99-114. Persian
- 24- Khaghanifard M. [Violence against Women, Gender Socialization, and Social Capitals Prediction of Mental Health of a Group of Women Living in Tehran]. *Journal of Women Studies.* 2011; 9 (28): 55-80. Persian
- 25- Hawkley JN. Romantic Relational Aggression in Parents and Adolescent Child Outcomes. 2014.
- 26- Zaare Shaah Aabadi A., Naaderipour Y. [The relationship Between experience the violence in childhood and violence against women in Kohdasht city]. *Journal of women social –psychological studies.* 2014; 4(12):92-118. Persian
- 27- Khamseh A., Hoseynian S. [Investigation the role of violence experience in childhood and behavioral patterns of violence and intimacy in married women]. *Journal of Daaneshvare Raftaar.* 2010; 43(17): 39-48. Persian
- 28- Burstein M, Ginsburg GS, Petras H, Ialongo N. Parent psychopathology and youth internalizing symptoms in an urban community: A latent growth model analysis. *Child Psychiatry Hum Dev.* 2010;41(1):61-87.
- 29- Dutton DG, White KR. Attachment insecurity and intimate partner violence. *Aggression and Violent Behavior.* 2012;17(5):475-81.
- 30- Burazeri G, Qirjako G, Roshi E, Brand H. Determinants of witnessed parental physical violence among university students in transitional Albania. *Journal of public health.* 2010;33(1):22-30.

Intergenerational Transmission of Violence from the Family-of-Origin to the Current Family

*Azadi S. PhD¹

Nahidpoor F. MS²

Abstract

Background & Aims: Domestic violence is an annoying and undeniable fact in today's world. This study aimed to investigate the intergenerational transmission of violence from the family-of-origin to the current family in women who referred to the court.

Material & Methods: This was a correlational study. The research population comprised of 283 women who referred to the family courts, the forensic medicine center and dispute resolution councils in Shiraz in 2014. Participants were selected by the convenience sampling method and responded to two questionnaires of violence against women and family-of-origin violence. Pearson correlation and regression analysis were used to analyze the data through the SPSS software version 19.

Results: Data analysis showed a significant direct correlation between violence in the family-of-origin and violence in the current family ($P>0.01$), physical violence in the family-of-origin and physical violence in current family ($P>0.01$), psychological violence in the family-of-origin and psychological violence in current family ($P>0.01$), economic violence in the family-of-origin and economic violence in current family ($P>0.01$). In addition, violence in the family-of-origin was a predictor of violence in current family ($P<0.01$).

Conclusion: According to the findings of the research, it can be said that there is a significant direct relationship between violence in the family-of-origin and violence in the current family, and witnessing violence in the family-of-origin is associated with an increased risk of spouse violence victimization in the family of destination.

Key words: Violence, Family- of -Origin, Family of Destination, Intergenerational Transmission of Violence, Women.

Received: 19 March 2018

Accepted: 19 Jun 2018

¹. Assistant professor, Department of educational sciences, Islamic Azad university, Gachsaran branch, Gachsaran, Iran. (*Corresponding author) Tel: 09177233896 Email: shahdokhazadi@yahoo.com

². Instructor, Department of psychology, Islamic Azad university, Karaj branch, Karaj, Iran.